



منبر مکتوب ویژه شهادت اسماعیل هنیه

خون خواهی شهید مقاومت

مقام معظم رهبری:

خونخواهی مهمان عزیزمان را وظیفه خودمان می دانیم.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



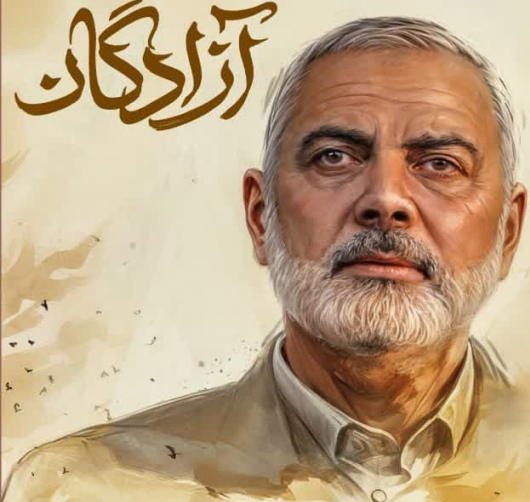
مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه



برای عضویت در کانال «حوزه و تبلیغ» اسکن کنید
کاری از مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه

آزادگان

فرمانده



فهرست

- ۵ شهادت یا پیروزی؟!؛
- ۶ امام سجاد(ع): شهادت مایه کرامت و افتخار ماست
- ۶ خون خواهی وظیفه ما نسبت به شهید مقاومت
- ۷ مطالبه خون سیدالشهدا در دوران دولت مهدوی
- ۸ امروز دست ما برای خون خواهی باز است

« شهادت یا پیروزی؟! »

اگرچه شهادت آقای اسماعیل هنیه، یکی از رهبران بزرگ مقاومت، سخت و تلخ است، اما وقتی شما نگاه می‌کنید به بیانات و نگاه ژرف و عمیق بزرگ‌مرد تاریخ مقاومت، یعنی امام حجرتنا علیه، در منطق مقاومت، این شهادت عین سعادت و پیروزی است. امام خمینی حجرتنا علیه فرمودند: «ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است. ملتی که خود و همه چیز خود را برای اسلام می‌خواهد، پیروزمند است. ما در کشته شدن و کشتن پیروزیم.» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص: ۱۸۷)

چه رابطه بین پیروزی و شهادت وجود دارد؟ آیا این جمله امام حجرتنا علیه منطق عقلانی دارد یا فقط یک کلمه احساسی است؟! این فقیه عارف، بر اساس فهمش از حقایق عالم، این جمله را می‌فرماید، اصلاً به دنبال ایجاد جو رسانه نیست، به دنبال خدای ناکرده انحراف افکار عمومی نیست به دنبال بیان یک واقعیت است، آن واقعیت این است که جامعه مثل غزه و رهبران غزه به این نقطه بلوغ عقلانی برسند که شهادت عامل سعادت آنها است و دیگر هراسی از مرگ نداشته باشند، این جامعه پیروز است.



« امام سجاد علیه السلام: شهادت مایه کرامت و افتخار ماست

این نگاه والا و بالا به شهادت، ریشه در مکتب اهل بیت دارد، آنجا که امام سجاد علیه السلام، وقتی که ابن زیاد حضرت را تهدید به شهادت می‌کند می‌فرماید: «أَبِالْقَتْلِ تُهَدِّدُنِي يَا بَنَ زَيْدٍ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْقَتْلَ لَنَا عَادَةٌ وَ كِرَامَتَنَا الشَّهَادَةُ»؛ ای پسر زیاد! آیا ما را با قتل تهدید می‌کنی؟ مگر نمی‌دانی که کشته شدن [در راه خدا]، عادت [دیرین] ما و شهادت، مایه کرامت و افتخار ماست. (ارشاد مفید، ص ۴۷۳ - ۴۷۴)

جامعه ما پای چنین نگاهی رشد پیدا کردند که شهادت را عنصر کرامت الهی می‌دانند، دیگر از مرگ نمی‌هراسند، وقتی دشمن نتواند شما را از مرگ بترساند، دیگر از چه چیزی می‌تواند شما را بترساند؟! تمام ابزار او برای شکست شما همین ترساندن است، کشتن است وقتی شما مرگ و شهادت در راه خدا را سعادت و کرامت می‌بینی دیگر با چه ابزاری می‌تواند شما را شکست دهد؟!

« خون خواهی وظیفه ما نسبت به شهید مقاومت

مقام معظم رهبری حفظه الله در پیام تسلیتشان فرمودند: «شهید هنیه سال‌ها جان گرمی‌اش را در میدان مبارزه‌ای شرافتمندانه بر سردست گرفته و آماده‌ی شهادت بود، و فرزندان و کسان خود را در این راه تقدیم کرده بود. او از شهید شدن در راه خدا و نجات بندگان خدا باک نداشت» (۱۰ مرداد ۱۴۰۳) اما در ادامه مقام معظم رهبری حفظه الله فرمودند: «ولی ما در این حادثه‌ی تلخ و سخت که در حریم جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است، خون خواهی او را وظیفه‌ی خود می‌دانیم.» (همان)

ما نسبت به خون شهدا، وظیفه داریم یا نداریم؟! خصوصاً اگر این شهادت در سرزمین ما رقم بخورد، البته باید دید واقعاً چگونه این اتفاق در ایران افتاده است؟! باید بررسی شود اگر قصور یا تقصیری اتفاق افتاده، اطلاع‌رسانی و پیگیری شود، چطور ممکن است تمام لایه‌های امنیتی در مقابل این حمله تروریستی عمل نکند، آیا نفوذ بوده است یا هر احتمال دیگر، اما بالاخره این اتفاق در قلب مقاومت یعنی ایران اتفاق افتاده است.

« مطالبه خون سیدالشهدا در دوران دولت مهدوی »

طبیعی است که خون خواهی رهبر مقاومت حق طبیعی ماست و بلکه بالاتر وظیفه ما این است که خون شهیدان خودمان را مطالبه کنیم، این مطالبه خون شهید، از وظایف دولت مهدوی است، در دوران ظهور، حضرت منتقم گیرنده خون سیدالشهدا خواهند بود، امروز هم ما وظیفه داریم این خون خواهی را مطالبه کنیم؟ ما از جهان طلبکاریم، به خاطر سکوت و تماشای آنها نسبت به خون هزاران کودک مظلوم بی‌گناه، خدا رو شکر به خاطر این خون شهدا، در جهان بیداری اتفاق افتاده است، دانشگاه‌های آمریکا به پا خواسته علیه ظلم بی حد و عدد دشمن بشریت یعنی اسرائیل کودک کش، اصلاً این لک ننگ کودک کشی از چهره منحوس اسرائیل پاک نمی‌شود.

پسر اسماعیل هنیه چقدر قشنگ گفت که خون پدرم از خون کوچک‌ترین طفل فلسطینی رنگین‌تر نیست. خون خواهی از دشمنان بشریت و کودکان، یک امر انسانی است، قبل از اینکه یک وظیفه دینی باشد. اما ما گاهی اوقات آن قدر درگیر زندگی خودمان می‌شود، اساساً این خون خواهی خون شهید را فراموش می‌کنیم.



« امروز دست ما برای خون خواهی باز است »

امروز رهبر انقلاب، دوباره عَلَم خون خواهی از دشمنی به نام صهیون و مجازات سخت را مطرح کردند، ما بی صبرانه منتظر روز خون خواهی از صهیون هستیم، این خون خواهی پیام آور صلح است، این خون خواهی ضامن امنیت ما است وگرنه دشمن هر روز جرئت بیشتری پیدا می کند، اگر ترس را با انتقام و خون خواهی به دل دشمن نیندازیم، او دست به اقدامات جنایت کارانه بزرگ تر می زند. الحمدلله امروز دست ما برای خون خواهی باز است، رهبر شما با اقتدار می تواند از خون خواهی شهید مقاومت حرف بزند اما بمیرم برای غربت امام سجاد علیه السلام که نمی تواند عَلَم خون خواهی سیدالشهدا را برپا کند، فقط می تواند گریه کند، با گریه عَلَم عزای حسین علیه السلام را زنده نگه می دارد.

امام سجاد علیه السلام، روایت می کند که امام حسین علیه السلام آخرین لحظات پدرم داخل خیمه شد، من از هوش می رفتم و به هوش می آمدم، چشمم درست نمی دید ولی دیدم چیزی شبیه خارپشت داخل خیمه شد، از بس حضرت تیر خورده بودند، بعد به من فرمود: «يَا وَلَدِي يَا عَلِيُّ وَ اللَّهُ لَا يَسْكُنُ دَمِي حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ الْمَهْدِي فَيَقْتُلَ عَلَيَّ دَمِي مِنَ الْمُنَافِقِينَ الْكُفْرَةَ الْفُسْقَةَ سَبْعِينَ أَلْفًا»؛ فرزندم علی جانم! به خدا قسم خون من آرام نمی نشیند تا اینکه خدا مهدی مرا مبعوث کند، در انتقام و خون خواهی، هفتاد هزار منافق کافر فاسق را خونشان را بریزد.» (مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۸۵) یعنی علی جانم! غصه نخوری پسر من! انتقام و خون خواهی حتمی و قطعی است.



اما این داغ خون خواهی به دل امام سجاد علیه السلام ماند، یک داغ دل امام سجاد علیه السلام این بود یک وقتی زینب کبری (س) دید امام سجاد علیه السلام دارد جان می دهد، دوان دوان رفت طرف امام سجاد علیه السلام عرضه داشت: «مَا لِي أَرَاكَ تَجُودُ بِنَفْسِكَ يَا بَقِيَّةَ جَدِّي وَ أَبِي وَ إِخْوَتِي؛ داری با خودت چه می کنی با جان خودت بازی می کنی ای همه کس زینب (س)» (کامل زیارات، ص ۲۶۱) امام سجاد علیه السلام فرمود: «عمه جان! ببین کشته های خودشان را غسل و کفن کردند، به خاک سپردند اما بدن پدر غریبم نه غسلی نه کفنی انگاری پدرم مسلمان نیست» (همان) اینجا حضرت زینب (س) فرمود: «غصه نخور عزیزم! اینجا کربلا می شود اینجا گنبد و بارگاه پیدا می کند.»

